

فصلنامه علمی تخصصی معارف علوم انسانی و علوم اسلامی

سال پنجم- زمستان 1404-شماره 23- ص 206-217

جایگاه حجاب در امنیت اخلاقی جامعه

حبیبه اسماعیل زاده¹

چکیده

مسئله حجاب یکی از احکام الهی جهت تضمین سعادت بشریت است و از مسائل مهم و کلیدی جامعه به شمار می رود و در فرهنگ اسلامی از جایگاه رفیعی برخوردار است. حجاب به این معناست که زن تمام اجزای بدنش را به جز حدی که شرع جایز می داند، هنگام معاشرت با نامحرمات بپوشاند. پوشش اسلامی، نه تنها برای خود زن ارزش می آفریند، بلکه میتواند اجتماع را هم تحت تأثیر قرار می دهد. و عاملی برای افزایش امنیت اخلاقی در سطح جامعه گردد. امنیت اخلاقی ایجاد و ضعیفی آرامش بخش و خالی از هر گونه تهدید و تعارض می باشد که انسان نسبت به دین و عقاید و ارزشها تدارک دیده است. از این روست که حجاب که، مبتنی بر شرایط روانی و اخلاقی است زمینه ساز پویایی و کمال فرد و جامعه می شود. روی آوردن به پوشش از مسائل فطری است. انسان از همان آغاز پیدایش کوشیده تا پوشش مناسبی برای خود تهیه کند تاریخ حجاب به آفرینش اولین موجودات روی زمین یعنی آدم و حوا بازگشت میکند. اسلام جهت حفظ امنیت اخلاقی فرد و جامعه طرفدار حجاب حداکثری بانوان است. حجاب نقش بسزایی در امنیت اخلاقی فرد و جامعه دارد از جمله اینکه پوشش زنان مانع سقوط شخصیت آنان، عامل بازدارنده از نگاه های هرزه مردان به زنان، آزار و اذیت بانوان توسط مردان است. حجاب با تعدیل جاذبه های طبیعی بین زنان و مردان این نعمت الهی را در مجرای طبیعی قرار می دهد. اینگونه باعث حفظ مهمترین نهاد اجتماع می شود. این پژوهش به روش کتابخانه ای و به صورت فیش برداری از منابعی مانند مسأله حجاب، در و صدف، عطر عفاف و ... اقتباس شده و به صورت مجزا و مستقل به جایگاه حجاب در امنیت اخلاقی جامعه پرداخته است.

واژگان کلیدی: حجاب، امنیت، اخلاق، امنیت اخلاقی، جامعه

1. طلبه سطح سه (کارشناسی ارشد)، رشته مشاوره خانواده با رویکرد اسلامی، حوزه علمیه حضرت ولیعصر (عج) خواهران، بناب، آذربایجان شرقی.

مقدمه

حجاب تنها یک دستورالعمل دینی و وظیفه شرعی برای زنان مسلمان نیست، بلکه از ضرورت‌های اجتماعی جوامع انسانی است که با وجود آن منافع و تأثیرات شگرفی در جامعه پدیدار شده و عدم رعایت آن، زیان و آثار مخربی در فرهنگ عمومی اجتماع و امنیت و اخلاق آن، حتی اقتصاد و سیاست بر جای گذاشته است. زن در پرتو حفظ این ارزش می‌تواند عامل نیرومندی در جهت حفظ سنت‌ها و روابط اجتماعی سالم و ارزش‌های انسانی و معنوی باشد.

به همین دلیل حجاب از مسائل مهم و کلیدی جامعه ماست و با بسیاری از مسائل اجتماعی پیوند خورده است و ما به وضوح در کشورهای اسلامی، آثار وجودی آن را می‌بینیم و در کشورهایی که با تجاوز استعمارگران حجاب از میان رفته یا کم رنگ شده، آثار زیان‌بار آن به خوبی مشهود و نمایان است. آنچه می‌تواند جامعه‌ای را از آسیب‌های شوم مصون بدارد و حفظ کند، ترویج فرهنگ دقیق حجاب و تبیین ابعاد مختلف آن در جامعه است. شناخت تأثیر حجاب و نقش آن در کاهش آسیب اخلاقی اجتماع می‌تواند مسیر حرکت جامعه را به سوی ترقی و تعالی هموار سازد و امنیت اخلاقی جامعه را تأمین کند.

از جمله مصادیق امنیت اخلاقی که در جامعه در اثر رعایت حجاب و پوشش اسلامی توسط بانوان حاصل شده است می‌توان به مواردی مانند: تحکیم بنیان خانواده، بازدارندگی از ارتباط عنان‌گسیخته میان زن و مرد، مانع تهاجم فرهنگی، جلوگیری از مدپرستی و اسراف، موجب پیشرفت و کمال جامعه و ... اشاره کرد که در این قسمت پژوهش به بیان آنها می‌پردازیم.

حجاب که یکی از احکام و جوی اسلام است، از مسایل مهم و کلیدی جامعه ماست. حجاب به این معناست که زن تمام اجزای بدنش را به جز حدی که شرع جایز می‌داند، هنگام معاشرت با نامحرمان بپوشاند. این مساله از آن جهت که خطابش با زنان است، به نیمی از جمعیت جامعه مربوط می‌شود. و از آن جهت که در تنظیم روابط زن و مرد نقش دارد، به همه افراد جامعه مربوط است.

رعایت حجاب نه تنها برای خود زن ارزش می‌آفریند بلکه می‌تواند خانواده و اجتماع و ... را تحت تأثیر قرار دهد، و عاملی برای افزایش آرامش در سطح جامعه و پایداری نهاد مقدس خانواده گردد.

امروزه خطر بی‌حجابی جامعه اسلامی را از ناحیه دشمنان تهدید می‌کند که موجب بروز خطرهایی در زندگی فرد و جامعه گردیده است. و این مساله امنیت اخلاقی فردی و اجتماعی را برهم زده است. از این روست که اسلام برای حفظ حدود اخلاقی و جلوگیری از اختلاط زنان و مردان و برای اینکه زنان بتوانند در جامعه بدون هیچ تهدیدی حضور داشته باشند. همچنین

مردان نیز بتوانند مسئولیت خود را انجام دهند، برای زنان حجاب را معین کرده است که، خود این حکم یکی از مصادیق امنیت اخلاقی است.

امنیت اخلاقی به معنای ایجاد وضعیتی آرامش بخش و خالی از هرگونه تهدید و تعارض می باشد که انسان نسبت به دین و عقاید و ارزش ها تدارک دیده است. بر همین اساس حجاب و پوشش اسلامی که مبتنی بر نیازها و شرایط روانی و اخلاقی است زمینه ساز پویایی و کمال فرد و جامعه می شود. اگر حقیقت این حکم بر انسان آشکار گردد بعید است که فطرت خدا خواه تسلیم آن نشود.

این موضوع در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته، اما از منظر اخلاقی کمتر مورد توجه بوده است از این روست که در این پژوهش سعی شده که نقش حجاب در امنیت فرد و جامعه از جنبه ی اخلاقی بررسی شود.

1- مانع تأخیر ازدواج جوانان

خودنمایی و حضور تحریک آمیز زنان و دختران در صحنه های اجتماعی، نظر هر مردی را به خود جلب می کند. اگر آن مرد مجرد باشد با توجه به این که چشمان او از مناظر شهوت انگیز زنان بدحجاب بهره مند میشود به راحتی تن به تعهدات زندگی مشترک نمیدهد. و از زنان و دخترانی که به طور رایگان چشمان گرسنه ی او را کامیاب می کنند بهره ی غیر شرعی می گیرد و ازدواج را به تأخیر می اندازد. این واقعیت تلخ در کشورهای غربی رواج کامل دارد و در کشورهای اسلامی نیز وجود دارد.

بدون تردید تأخیر ازدواج پسران جوان تنها به مشکلات اقتصادی و یا تحصیلی آنها مربوط نمیشود بیتوجهی به تقوای جنسی و لجام گسیختگی زنان و دختران خودنما در این تأخیرها که آفتش به آنها نیز سرایت می کند مربوط می شود. وقتی دختران بدون پیمان همسررداری و هزینه ها و تعهدات شرعی و قانونی خود را در معرض نگاه های جوانان قرار می دهند آنها بر خود لازم نمی دانند که آنچه به طور رایگاه به آنها میرسد را با بهای سنگین ازدواج به دست آورند.

خداوند در قرآن کریم چنین میفرماید: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ وَ مَنْ أَسَاءَ فَعَلَيْهَا»؛ هر که کاری شایسته کند، به سود خود اوست، و هر که بدی کند به زیانش باشد». با افزایش آمار برهنگی و بیحجابی، آمار طلاق و بیبندوباری نیز بالا می رود و در مقابل از تعداد ازدواج ها و روابط سالم خانوادگی کاسته میشود؛ زیرا با وجود روابط و معاشرت های بی قید و بند زنان بی حجاب و بزک کرده در سطح جامعه، ازدواج به صورت یک مسئولیت سنگین و تکلیف و محدودیت و عمل پر هزینه جلوه میکند و علاقه به ازدواج کمتر و کمتر میشود در نتیجه عدم

گرایش جوانان به ازدواج، سلامت اخلاقی جامعه به خطر میافتد و دامنه فساد گسترش بیشتری پیدا میکند.

بنابراین حفظ حجاب و رعایت عفت و محدود نمودن هر گونه التذاذ جنسی، اعم از بصری و لمسی در چارچوب ازدواج شرعی و قانونی از این بی رغبتیها و تزلزل ها جلوگیری نموده، به امر ازدواج و تشکیل زندگی مشترک تسریع می بخشد، و موانع بروز مشکلات اخلاقی برای جوانان در سطح جامعه میگردد. با عدم بروز مفاسد اخلاقی در جامعه امنیت اخلاقی در آن اجتماع نهادینه می گردد.

2- مایه تقویت علاقه بین زوجین

از ویژگیهای زنان، انحصارطلبی در معشوق و محبوب بودن است؛ اقتضای یگانه معشوق بودن زن آن است که قلب همسر جز او را نخواهد و قلبش تنها در گرو محبت و عشق به او و فرزندان باشد و هرگز سراغ زن دیگر نرود. اگرچه این میل طبیعی باید تعدیل شود زندگی تک همسری بهتر و با صفاتر است، مگر در مواقع ضروری و رعایت شرایط خاص به ویژه شرایط عدالت که در قرآن و روایات اهل بیت بر آنها تأکید شده است.

اما بحث در ازدواج های غیر منطقی و غیر ضروری است که بدون تردید علت آن هوس بازی و شهوترانی است اما نباید فراموش کرد که غالباً منشأ چنین ازدواجهایی جلوه گری و پوشش های تحریک آمیز زنان است. به عبارتی بدحجابی و خودنمایی زنان با تحریک پذیری و ایجاد شهوت و هوس مردان ارتباط مستقیم و تنگاتنگی دارد؛ امکان ندارد تحریک جنسی در جامعه باشد اما در مردان عادی جامعه که از کنترل عادی چشم و تقوای لازم برخوردار نیستند هوس و میل به کامجویی ایجاد نکند و همین هوس و میلهاست که در مردان تک همسر گرایش به ازدواج مجدد را پدید میآورد؛ زیرا چنین مردانی با دلدادگی و مجذوب شدن به جاذبه های آشکار زنان، اندک اندک به ازدواج با آنها تمایل نشان میدهند که با کاهش محبوبیت همسر قبلی ملازم و همراه است و یا چه بسا محبت او را از دل خارج نموده تنها به همسر جدید خود می اندیشد و دل می بندد.

بدیهی است کاهش محبوبیت، فشارهای روحی و اختلال روانی و حتی اخلاقی برای زن او ایجاد میکند. تنها راهکار جلوگیری از این تنوع طلبی آقایان با حجاب بودن و پوشش مناسب داشتن برای خانمهاست در صورتی که قصد خروج از منزل را دارند. خانمها نباید خود را بیاریند و به صورت بزرگ کرده در جامعه حاضر شوند. در حین خارج شدن از منزل با پوشش مناسب و با حجاب باشند تا جلوی این تنوع طلبی آقایان را بگیرد.

3- حجاب سبب تحکیم خانواده

خانواده با اهمیت‌ترین نهاد اجتماعی، کانون عشق، امید، تحقق آرزوهای آدمی و مرکز تولید و پرورش نسل بشر است؛ به گونه‌ای که هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند بدون خانواده پایدار بماند. در معارف الهی خانواده، مهم‌ترین جایگاه پرورش انسان است.

قرآن کریم همسران را «لباس» یکدیگر می‌داند و می‌فرماید: «هُنَّ لِبَاسٌ لَّكُمْ وَ أَنْتُمْ لِبَاسٌ لَّهُنَّ»؛ همسران لباس شما، و شما لباس آنها هستید». زن و شوهر نزدیک‌ترین افراد به یکدیگر هستند و همچون لباس، یکدیگر را از آفات و آسیب‌های عفت سوز و ایمان برانداز حفظ می‌کنند. افزون بر این، آنها مانند لباس، مایه وقار و آراستگی یکدیگر اند.

بی‌تردید این نقش در پرتوی قضاوت زن و شوهر شکل می‌گیرد. چنانچه زن و شوهر از تعهدات خانوادگی رها باشند نمیتوانند برای یکدیگر مانند لباس به شمار آیند و عفت و وقار و هم‌شخصیت را پاس دارند. حجاب از لوازم سامان یافتن چنین بنیادی است و بیحجابی با آن تعارض آشکار دارد؛ زیرا ببیندوباری در پوشش، ببیندوباری در تحریک و احساس نیاز را در پی دارد و تأمین نیازهای شعلهور بنیاد خانواده را نشانه می‌رود.

تحکیم خانواده که بر اساس محبت، صمیمیت، انس و وحدت و همدلی و دلسوزی همسران استوار می‌شود، از مهم‌ترین مسائل خانوادگی به شمار می‌رود و آنچه بنیان خانواده را متزلزل می‌کند از بدترین آفت‌های آن به حساب می‌آید. در جامعه‌ای که فرهنگ برهنگی بر آن حاکم است، هر زن و مردی، همواره در حال مقایسه است؛ مقایسه‌ی آنچه دارد با آنچه ندارد؛ آنچه ریشه‌ی خانواده را می‌سوزاند این است که این مقایسه آتش هوس را در زن و شوهر و به خصوص در وجود شوهر دامن می‌زند و انس و صمیمیت و دلسوزی همسران نسبت به یکدیگر را از بین می‌برد.

خودنمایی و حضور تحریک‌آمیز زنان و دختران در صحنه‌های اجتماعی، نگاه هر مرد متأهل و مجرد را به خود جلب می‌کند و بیننده با توجه به غریزه‌ی تنوع‌طلبی و زیباخواهی که دارد بخشی از توجه خود را متوجه آن می‌کند و در نتیجه به همان اندازه، گرایش به همسر را که همواره با او زندگی می‌کند، کاهش می‌دهد.

بنابراین خداوند متعال برای جلوگیری از این مفاسد و فروپاشی نهاد مقدس خانواده برای زنان حجاب را معین کرده است و به زنان و مردان امر می‌کند که در مواجهه با نامحرم چشمان خود را ببندند:

«وَقُلْ لِّلْمُؤْمِنَاتِ یَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَ یَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَ لَا یُبْدِیْنَ زینَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ لَیْضُرْنَ بِخُمْرِهِنَّ عَلَی جُیُوبِهِنَّ»؛ «و به زنان با ایمان بگو: «دیدگان خود را [از هر نامحرمی]

فرو بندگان و پاکدامنی ورزند و زیورهای خود را آشکار نگردانند مگر آنچه که [طبیعاً] از آن پیداست. و باید روسری خود را بر گردن خویش [فرو] اندازند...».

«قُلْ لِّلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ» ؛ «به مردان با ایمان بگو: «دیده فرو نهند و پاکدامنی ورزند، که این برای آنان پاکیزه‌تر است، زیرا خدا به آنچه می‌کنند آگاه است.»

با توجه به این آیات روشن می‌شود که هر مرد و زن مومنی باید از نگاه کردن به چیز حرام چشمپوشی کنند و قرآن کریم به زنان امر می‌کند تا همه بدن خود را به جز صورت‌ها و دست‌ها از مچ تا انگشتان بپوشانند. این امور باعث ایجاد روابط صمیمانه زن و شوهر و منحصر شدن لذت جنسی به محیط خانواده و در محدوده‌ی ازدواج شود.

4- جلوگیری کننده از چشم چرانی مردان

در روایات، برای چشم نوعی زنا قائل شده‌اند که همان چشم چرانی بوده و به معنای نگاه کردن، با ریه است.

قال رسول الله(ص): «أَيُّمَا امْرَأَةٍ اسْتَعْطَرَتْ ثُمَّ خَرَجَتْ فَمَرَّتْ عَلَى قَوْمٍ لِيَجِدُوا رِيحَهَا فَهِيَ زَانِيَةٌ وَ كُلُّ عَيْنٍ زَانِيَةٌ» ؛ رسول خدا فرمود: «هر زنی که خود را معطر سازد و از منزل خارج شود و از کنار گروهی بگذرد تا بوی او را دریابند، وی زناکار است و هر چشمی که این زن را ببیند، زناکار است.»

مرد به طور طبیعی نسبت به زن، علاقه مند است. این غریزه اگر به طور صحیحی اشباع نشود موجب انحرافات و پیامدهای ویرانگری خواهد شد، آثار طغیان این غریزه اغلب در چشم مردان ظاهر می‌گردد که اگر کنترل نشود به چشم چرانی می‌پردازد و فسادهای جانبی دیگر پدیدار خواهد شد.

از این رو ست که حضرت علی (ع) می‌فرماید: «نِعَمَ صَارِفُ الشَّهَوَاتِ غَضُّ الْأَبْصَارِ» ؛ «چشم پوشی از گناه، بهترین عامل بازدارنده از شهوت است.»

از سوی دیگر زنان به خودآرایی علاقه دارند به طوری که اگر ضابطه‌های برای کنترل آن‌ها نباشد چه بسا عده‌ای از آنان نیمه عریان در جامعه ظاهر میشوند. در نتیجه اگر پوشش صحیح در جامعه نباشد موجب فسادهای گوناگون و زمینه ساز جرایم و بزهکاری‌های مختلف خواهد شد. بر همین اساس قرآن کریم پس از بیان عفت می‌فرماید: «ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ» ؛ این دستور برای آنها بهتر و پاکیزه‌تر است. بنابراین تنها با حجاب و پوشش می‌توان غریزه‌ی خودآرایی زن را کنترل کرد که در این صورت جلوی چشم چرانی مردان گرفته می‌شود چون دیگر زن با ناز و عشوه در جامعه حاضر نمیشود و اینگونه با حجاب بودن زنان، امنیت اخلاقی جامعه را فراهم می‌سازد.

5- مانع خودکشی و قتل

مضرات بی حجابی و آثار سیئه آن بر همه معلوم است علاوه بر زنا که ام الامراض است، ضررهای بسیاری را هم چون جنون، سکت، ... که صفحه ی زندگی جوانان را مکرر و فضای عیش را بر آن ها تار می کند و دوری از بی حجابی بر هر فردی واجب تر از هر چیز است. چه بسا مفا سدی مثل اختلال نظام خانوادگی و طلاق و تنازع میان مردها و حتی میان خود زن ها همگی از رواج بیحجابی در خود جامعه ناشی می گردد. بسیار دیده شده که افراد به خاطر شرایط نامطلوب و وضعیت حجاب در جامعه تحریک شده و به خاطر نداشتن تقوا و تدین کافی دست به اعمال خلاف عفت زدهاند، سپس از ترس رسوایی و هزار مسئله ی دیگر، دست خود را به هر جنایت پلیدی مانند کشتن طعمه ی هوسرانی خود آلوده می کنند و اگر هم چنین کاری را نکنند روی به خودکشی می آورند و زندگی خودشان را از ترس آبروریزی به پایان می برند و هر روز در قسمت حوادث روزنامهها می توان نمونه ای از این موارد را مشاهده نمود.

قرآن کریم در مورد خودکشی می فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا * وَ مَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَْ غَدُوًّا وَ ظُلْمًا فَسَوْفَ نُصْلِيهِ نَارًا وَ كَانَ ذَٰلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا» ؛ «ای کسانی که ایمان آورده اید، اموال همدیگر را به ناروا مخورید- مگر آنکه داد و ستدی با تراضی یکدیگر، از شما [انجام گرفته] باشد- و خودتان را مکشید؛ زیرا خدا همواره با شما مهربان است. و هر کس از روی تجاوز و ستم چنین کند، به زودی وی را در آتشی درآوریم، و این کار بر خدا آسان است».

6- مانع بلوغ زودرس نوجوانان

هنگامی که خانمها با جلوه گری در برابر نوجوانان ظاهر شوند درون آن ها تحریک می شود و زودتر از زمان طبیعی به مرحله ی بلوغ می رسند. این گونه بالغ شدن نوجوانان پسر، همانند رسیدن میوه نارسى مثل موز است که به تدریج در شرایط طبیعی به طعم و رنگ نرسیده باشد بلکه با حرارات بیش از حدود در زمان کوتاه تر از زمان لازم و معمول برسد. به طور مسلم چنین موزی که گاهی آثار سوختی بر آن آشکار است از یک سری کاستیها و نواقص برخوردار است و نوجوانانی هم که زودتر به بلوغ میرسند، بلوغ نارس و زودرس آنها سبب بروز اختلال در وجود و رفتار و اخلاق آنها می گردد.

نوجوانانی که به بلوغ زودرس می رسند از یک طرف از لحاظ عقلی و اجتماعی، هنوز به بلوغ نرسیده اند و شرایط ازدواج را هم دارا نمی باشند. از طرف دیگر از لحاظ جنسی تحت فشار هستند که آتش شهوت آن ها را وادار به کارهای غیر اخلاقی و نامشروع میکند و عامل این ضایعه زنان و دختران خودنما هستند. برعکس اگر بانوان با حجاب و بدون آرایش در برابر

نوجوانان حاضر شوند بلوغ عقلی، جنسی و اجتماعی نوجوانان هم زمان خواهند بود و مشکلاتی برای نوجوان و جامعه ایجاد نخواهد شد.

7- مانع ارتباط عنان گسیخته‌ی میان مرد و زن

بر اساس قانون خلقت بین زن و مرد جاذبه‌ای طبیعی قرار داده شده که ضامن سعادت و سلامت هر دو خواهد شد اما محور و مدار این جذب طبیعی، زن است. از این رو در آیات شریفه برای حفظ آرامش زن و مرد و جلوگیری از دوستی‌های نامشروع، اصالت به زن داده شده است؛ پوشش زن موجب تعدیل جاذبه‌های طبیعی شده و این نعمت الهی را در مسیر و مجرای طبیعی خود قرار می‌دهد به این معنا که حس خودآرایی، زیباپسندی زن و زیبایی‌های ظاهری او جاذبه‌های طبیعی‌ش محدود به خانه و خانواده شده، همین امور که در جامعه بیرون، فسادآور است و عامل جذب پسرهای جوان و دوستی میشود در درون خانواده نقش مثبت ایفا میکند. بی شک یکی از عوامل شیوع فساد که قرنهای اخیر، دامن گیر زنان و مردان در کشورهای مختلف جهان شده، برداشتن حائل میان مرد و زن در ادارات، کارخانه‌ها، دانشگاه‌ها، و دیگر اماکن عمومی و محافل دسته‌جمعی است. در این برخوردها که به طور معمول زن و مرد، برای خودنمایی و ایجاد ارتباط و تماس، آزادی بیشتری دارند، بدون تردید این آزادی‌ها و ارتباطات بین دختر و پسرهای جوان موجب دوستیهای مخفیانه می‌شود و آن خود بذر فساد را می‌افشاند و باعث می‌شود دامنه‌ی فساد گسترش یابد و عواقبی را به بار می‌آورد.

از این روست که حضرت علی (ع) میفرماید:

«عِبَادَ اللَّهِ اغْلَمُوا ... وَ مُحَادَثَةُ النِّسَاءِ تَدْعُو إِلَى الْبَلَاءِ وَ يَزِيغُ الْقُلُوبَ؛ ای بندگان خدا! بدانید که ... گفتگو و اختلاط مردان با زنان نامحرم سبب نزول بلا و بدبختی خواهد شد و دلها را منحرف می‌سازد».

احتمال دارد که منظور از بلا و بدبختی که در روایت وارد شده همان مفسد اخلاقی باشد که در جامعه در نتیجه‌ی بیحجابی ایجاد میشود. بنابراین در جامعه‌ی اسلامی باید راههای فساد که از جمله‌ی آنها بیحجابی و بدحجابی است بسته شود تا ارتباطات محدود شده و زن و مرد دستخوش سرنوشتی چون سرنوشت جوامع منحرف و فاسد نگردد.

بنابراین برای داشتن جامعه‌ای اسلامی، پاک و منزّه از فساد، باید زنان نهایت حجاب و عفت را رعایت کنند تا ارتباط عنان گسیخته‌ی زنان و مردان را بگیرد که جلوگیری از این ارتباطات مانع گسترش بسیاری از مفاسد در اجتماع می‌گردد و موجب ایمنی اخلاقی جامعه می‌شود. باید توجه داشت که این محدودیت و ایجاد حائل و حجاب، به معنی بستن دست زن از کسب کمالات، تعلم و خدمات مشروع و فعالیتهای اجتماعی در چارچوب شرع مقدس و با توجه به مقتضیات زمان نیست.

8- سبب عفاف اجتماعی

حجاب زن جامعه را در هاله ای از عفاف قرار می دهد؛ زیرا حفظ عفاف اجتماعی تا حد زیادی به عفاف زنان بستگی دارد. بر این اساس است که اسلام پوشش اسلامی را برای زنان قرار داده است چون که بیحجابی زمینه و مقدمه بیبندوباری و بیعفتی و فحشا و افزایش فرزندان نامشروع و در نتیجه سرچشمه انواع جنایتهاست. همانطور که میدانیم بسیاری از مفاسد اجتماع به شهوات جنسی مربوط میشود که با پوشیدگی زن زمینه آنها از بین می رود.

پیامبر اسلام در حدیثی، بزرگترین زمینه سقوط اخلاق را افتادن مردان و زنا در دام شهوت های جنسی می داند. وقتی چشم ها نبیند و دلها نخواهد، تحرکات جنسی، هیجانات و عشق های کاذب نیز از میان میرود و سلامت اخلاقی بر اجتماع حاکمیت می یابد. پس زنان با پوشش و حجاب خود نقش موثری در عفت اجتماعی و سلامت جامعه دارند.

بنابراین رعایت حجاب به علت تأثیر زیاد آن در استحکام خانواده به عنوان پایه و اساس جامعه و نیز تأثیر آن در ساختن فرزندان با تربیت صحیح در سلامت و پاکی جامعه مؤثر است. حجاب مانند داروی درمان کننده و موجب امنیت و صفای روح میباشد، یک بانوی تازه مسلمان آمریکایی ساکن آمریکا می گوید: «سلامت روح مرد و جامعه با نوع و کیفیت پوشش زنان آن جامعه رابطه مستقیم و غیر قابل انکار دارد».

همواره باید هر چه به سلامت اخلاق جامعه و عفاف عمومی لطمه میزند، ریشه کن شود و هر چه عفاف اجتماعی را تضمین می کند تقویت گردد. هر چه گرایش جامعه به حجاب شدت یابد، از مفاسد اخلاقی و اجتماعی، کاسته می شود. سلامت اخلاق جامعه و عفاف اجتماعی از اهداف عالی اسلام است.

پیامبر اکرم فرمودند: «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ»؛ من برای تمام کردن مکارم اخلاق، مبعوث شدم».

حجاب زن به نص قرآن کریم عفاف اوست و عفاف او، خدمتی به سلامت جامعه است. زن با پذیرش حجاب اسلامی، بزرگترین و ارزنده ترین خدمات را به خانواده ها و جوانها و بالاخره به جامعه میکند؛ زیرا اخلاق و پاکی و عفت را رونق و رواج می بخشد. زنانی که جسم خود را پر بهاتر از آن می دانند که اجازه دهند، هر چشمی از آن تمتع گیرد، هر هوسی بدان گرایش یابد، بر مسند والای فضیلت نشسته اند. کار این گونه زنان پیامبر گونه است؛ زیرا بعثت پیامبران به منظور تکمیل و تتمیم اخلاق است، نهایت تکمیل و تتمیم اخلاق هم منتهی به عفاف عمومی در این جنبه می گردد. با نهادینه شدن اخلاقیات و عفاف در جامعه پر واضح است که جلوی ناامنی و مشکلات اخلاقی گرفته می شود و یک جامعه امن حاصل می آید.

اسلام از بی حجابی و بدحجابی بیزار و متنفر است؛ زیرا اینها ایند که با متزلزل کردن اخلاق و فضیلت، اسلام را در بین مردم، ضعیف و لگدمال می کنند، زنان با حجاب خدمت گذار واقعی دین و اخلاق و زنان بیحجاب و بدحجاب، عامل براندازی و بیان کنی دین و عفاف اجتماعاند.

نتیجه گیری

مسئله حجاب، یکی از چارچوب های احکام الهی جهت تضمین سعادت بشریت است و حجاب زنان یکی از مصادیق امنیت اخلاقی است. اسلام، جهت حفظ امنیت اخلاقی فرد و جامعه طرفدار حجاب بیشتر و حداکثری بانوان، به ویژه زنان و دختران جوان در بیرون از منزل و در مواجهه با نامحرم است.

پوشش زنان موجب ارزشمندی و محترم شمرده شدن زنان می شود. مانع سقوط شخصیتی زن در حد یک کالا برای تامین نیاز جنسی مردان میشود و عامل بازدارنده از نگاه های هرزه مردان به زنان، و آزار و اذیت زنان توسط مردان است. در نهایت مانع به استعمار و استثمار خود در آوردن بانوان می گردد، مانع اسراف و مدپرستی می شود. پوشش اسلامی اینگونه امنیت اخلاقی فردی را تأمین می کند و از مرتکب شدن به رذایل و مفاسد اخلاقی جلوگیری می کند و موجب حفظ ارزش ها و عقاید افراد می گردد

پوشش زنان با تعدیل جاذبه های طبیعی بین زنان و مردان این نعمت الهی را در مجرای طبیعی قرار میدهد. لذات و کامیابی ها به محیط خانواده محدود می گردد؛ که در این صورت مهم ترین نهاد اجتماع یعنی خانواده حفظ می شود. رعایت حجاب مانع گسترش بسیاری از خطرات و مفاسد اخلاقی مانند: روابط نامشروع، تولد ولد زنا، جرم و جنایت، قتل، خودکشی، تهاجم فرهنگی و ... می شود اینگونه جوامع عاری از بسیاری مفاسد اخلاقی خواهند بود که به طبع امنیت اخلاقی آن جامعه تأمین می گردد.

فهرست منابع

✽قرآن کریم

منابع فارسی

1. حداد عادل، غلامعلی، فرهنگ برهنگی برهنگی فرهنگی، چاپ چهارم، تهران، انتشارات صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران، 1370.
2. اسماعیل پور، غلامرضا، عطر عفاف، چاپ اول، قم، انتشارات ناصح، 1393.
3. دانش پور، وهاب، رابطه دختر و پسر، چاپ اول، تهران، مرکز فرهنگی انتشاراتی شبر، 1381.
4. دهقانی، محسن، درسنامه حجاب، چاپ اول، بیجا، انتشارات صبح صادق، چاپ پیشرو، 1389.
5. محمدی اشتیاردی، محمد، پوشش زن در اسلام، چاپ سیزدهم، قم، انتشارات ناصح، 1374.
6. مطهری، مرتضی، مسئله حجاب، چاپ چهلیم، تهران، انتشارات صدرا، 1373.

منابع عربی

1. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غررالحکم و دررالکلم، بیجا، قم، دارالکتاب اسلامی، 1410 ق.
2. طباطبایی، محمدحسین، تفسیر المیزان، ج 3، 16، چاپ بیست و هشتم، قم، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، 1388 ش.
3. متقی، علی بن حسام الدین، کنز العمال، ج 16، چاپ پنجم، بیروت، مؤسسه الرساله، 1372 ش.
4. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج 74، 22، 68، بی جا، بیروت دار احیاء التراث العربی، 1403 ق.